



روند تولیدات فرهنگی و هنری بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷

وضعیت حوزه‌های کتاب، نمایش، موسیقی، هنرهای تجسمی و سینمای ایران در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ با توجه به آمارهای وزارت ارشاد به ضمیمه یادداشت‌هایی از هنرمندان، مسئولان و فعالان حوزه‌های مختلف در گزارش حاضر آمده است. این گزارش در روزنامه جام‌جام ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ منتشر شده است.

آنچه در ادامه می‌خوانید بررسی آمارهای مربوط به حوزه‌های کتاب، نمایش، موسیقی، هنرهای تجسمی و سینمای ایران در پنج سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ است. آمارها و اطلاعات مدون این حسن را دارند که به صورت جامع و در عین حال خلاصه تصویری از عملکرد فرهنگی هنری در حوزه‌های مختلف را پیش روی قرار می‌دهند و احتمالاً در برنامه‌ریزی‌ها و تعیین استراتژی هنری یا ساماندهی به تولید نقش تعیین‌کننده خواهند داشت. ضمن ارائه این آمار و بررسی مختصر آن‌ها، یادداشت‌هایی از هنرمندان، مسئولان و فعالان حوزه‌های مختلف در این گزارش آماری ضمیمه شده است تا تصویری جامع‌تر از کاستی‌ها ترسیم شود و آینده شاخه‌های مختلف هنر ملموس‌تر به نظر برسد.

فیلم کمتر، فروش بیشتر

سالن‌های سینما و شانسی که آثار سینمایی برای اکران عمومی پیدا می‌کنند، در کنار مؤلفه‌هایی مانند کیفیت و زمان اکران هر فیلم، نقش تعیین‌کننده‌ای در صنعت سینمای ایران دارند. در پنج سال موردبررسی تعداد سالن‌های سینماهای کشور از ۳۰۶ به ۵۹۶ سالن نمایش فیلم رسیده و این یعنی برای تقریباً ۱۰۷ هزار نفر در سینماهای کشور صندلی وجود داشت و تا سال ۱۳۹۷ تعداد این صندلی‌ها به نزدیک ۱۶۰ هزار رسیده است.

نکته قابل تامل این است که در پنج سال گذشته تعداد تولیدات سینمای ایران رشد قابل‌ملاحظه‌ای نداشته؛ سال ۱۳۹۳ تعداد فیلم‌های سینمایی تولید شده در طول یک سال ۷۸ فیلم بود و این عدد در سال ۹۷ به ۸۲ عنوان رسیده است. شاید این هم جالب باشد که سال ۱۳۹۳ در کنار فیلم‌های ایرانی هفت فیلم خارجی هم در سینماها اکران شده، اما بعد از آن آمار سالنامه وزارت ارشاد می‌گوید فیلم خارجی در سینماهای ایران اکران نشده است. از هرچه بگذریم درآمد و میزان فروش فیلم‌ها، مهم‌ترین مبحثی است که در داده‌های آماری می‌توان به آن‌ها رجوع کرد. براساس سالنامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فروش فیلم‌های سینمایی از ۵۱۸ هزار میلیون ریال در سال ۹۳ در یک سیر تدریجی به ۲۵۰۸۷۰۷ میلیون ریال رسیده که بخشی از آن به تورم مربوط است و بخشی دیگر به افزایش سالن‌ها و تعداد تماشاگران.

بخشی از داده‌های آماری وزارت ارشاد به دفعات و تعداد فیلم‌های شرکت‌کننده در رویدادهای بین‌المللی و تعداد جوایزی که سینمای ایران در این سال‌ها کسب کرده اختصاص دارد. شاید جالب باشد بدانید که در سال ۱۳۹۳ از ایران ۶۹ فیلم در رویدادهای بین‌المللی به نمایش درآمده و ۲۵۰ جایزه خارجی هم نصیب فعالان سینما در ایران شده است. سال ۱۳۹۴ توانستیم ۵۲ فیلم در رویدادهای بین‌المللی شرکت بدهیم و ۳۷۰ جایزه بین‌المللی به دست بیاوریم. سال ۱۳۹۵ از کشورمان ۱۰۱ فیلم در جهان حضور داشته و ۱۵۷ هنرمند جایزه خارجی گرفته‌اند. در سال ۱۳۹۶ فقط ۳۵ فیلم از کشورمان به رویدادهای خارجی رفته و ۷۸ جایزه نصیب کشورمان شده است. نکته جالب توجه به سال ۱۳۹۷ مربوط است. در سالنامه وزارت ارشاد ذکر شده که در سال ۱۳۹۷ هیچ فیلمی از ایران در مجامع بین‌المللی حضور نداشته و این عدد به وضوح صفر است، اما تعداد جوایزی که در این سال اهالی سینما از

خارجی‌ها گرفته‌اند، ۲۰۵ جایزه است! آثاری که در شبکه نمایش خانگی عرضه می‌شوند و میزان فروش در این حوزه هم از مواردی است که در سالنامه وزارت ارشاد آمده و اشاره شده که از سال ۱۳۹۷ به دلیل رواج وی‌اودی‌ها یا همان سایت‌های اینترنتی نمایش فیلم، میزان فروش در شبکه نمایش خانگی کاهش زیادی داشته است.

کسب و کار راکد کتاب

نیازی به داده‌های آماری نیست برای این‌که مطمئن شویم شرایط حاکم بر صنعت نشر، تعریفی ندارد، اما سالنامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اطلاعات دقیق و جامعی درباره صنعت نشر پیش روی قرار می‌دهد از جمله این‌که طی پنج سال تعداد ناشران غیرفعال از ۸۰۹۴ به ۱۴ هزار و ۸۶۴ ناشر رسیده و این یعنی هر روز به تعداد کسانی که مجوز نشر کتاب را رها کرده‌اند که خاک بخورد، اضافه شده است، ولی این همه ماجرا نیست. فکر نکنید اوضاع نشر آنقدر کساد است که دیگر کسی علاقه‌مند به ماندن در این حرفه نیست. از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۷ تعداد ناشران کشور از ۱۲ هزار ناشر به بیش از ۱۹ هزار ناشر رسیده و این یعنی حدود ۷۰۰۰ نفر در این سال‌ها مجوز تاسیس انتشارات گرفته‌اند. آمارهای کتاب از روند بسیار تدریجی کاهش کتاب‌های تالیفی خبر می‌دهد و نیز کاهش تدریجی تیراژ کتاب است که سقوط قابل‌تاملی داشته است.

سال‌های دور از عدد و رقم

به هر دلیل در سالنامه‌های آماری که هر سال در وزارت ارشاد منتشر شده، حتی یک مرتبه و یک عدد ناقابل درباره گردش مالی حوزه تجسمی چیزی در آن نیامده است. این‌که فروش آثار تجسمی در هر سال چقدر بوده و گردش مالی حراجی‌های داخلی که هیچ حتی درباره تعداد گالری‌های کشور هم هیچ اطلاعاتی در این سالنامه‌ها نیست. در واقع از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ تنها اطلاعاتی که درباره حوزه تجسمی دستگیرمان می‌شود این است که چه تعداد نمایشگاه در مراکز هنری و گالری‌ها برگزار شده و از سال ۱۳۹۵ این نمایشگاه‌ها به تفکیک استان‌های کشور ذکر شده، همین و بس.

تأثیر و خصوصی‌سازی

میزان فروش، یکی از مهم‌ترین گزینه‌های آماری است، اما این مورد در سالنامه آماری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تأثیر مغفول مانده و گزارشی از میزان فروش نمایش‌ها ارائه نشده است. همچنین سالن‌های نمایش در تهران افزایش داشته و طی یکی دو سال اخیر تأثیر خصوصی نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد تأثیر داشته، اما به این موارد هم توجه نشده و اطلاعاتی درباره تعداد سالن‌های فعال ارائه نشده است. مهم‌ترین اطلاعات مربوط به تأثیر در این سالنامه، تعداد آثار تولید شده و تعداد دفعات اجرا و تعداد تماشاگران

است که از رشد نسبی تئاتر در کشور خبر می‌دهد.

آواز خوانی روی صحنه

طی پنج سال کنسرت‌های موسیقی در کشورمان رشد قابل توجه داشته، اما تعداد آثار صوتی که از وزارت ارشاد مجوز گرفته و منتشر شده‌اند تقریباً یک رقم ثابت را شامل می‌شوند.

در سال ۱۳۹۳ برای ۴۲۵ اثر صوتی مجوز صادر شده که نمی‌دانیم همه آن‌ها آلبوم موسیقی بوده‌اند یا موارد دیگری را هم دربرمی‌گیرند.

این ابهام در آمار سال‌های بعد نیز وجود دارد و توضیحی ارائه نشده جز این که در سال ۱۳۹۴ تعداد آثار صوتی موفق به دریافت مجوز ۵۷۴ اثر بوده و در سال ۱۳۹۵ برای ۴۸۵ اثر صوتی مجوز صادر شده، ۵۴۵ اثر در سال ۱۳۹۶ مجوز گرفته و در سال ۱۳۹۷ هم برای ۵۴۸ اثر مجوز صادر شده است.

مخاطب مظلوم!

احمد میرعلایی (مدیر سابق بنیاد سینمایی فارابی): آمارهای سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حاکی از این است که در پنج سال موردبررسی گرچه روند تولیدات سینمایی، خطی بوده، اما در حوزه تعداد تماشاگر با افزایش چشمگیری مواجه بوده‌ایم. این افزایش ویژه تماشاگر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد، اما با توجه به اینکه میزان سالن‌های موجود تغییر چندانی نکرده است، لزوم بازنگری و تحقیق بیشتر در این عرصه احساس می‌شود. ارائه چنین آمارهایی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اگرچه که می‌تواند امیدوارکننده باشد، اما باید علل اصلی آن را ریشه‌یابی کرد. این ریشه‌یابی تا حد زیادی به فیلم‌هایی بستگی دارد که در این بازه پنج‌ساله ارائه آمارها، اکران شده‌اند.

سوال اینجاست که آیا مردم در این بازه پنج‌ساله به تماشای فیلم‌های استاندارد و با درون‌مایه مناسب نشسته‌اند یا این میزان تماشاگر، معلول کم‌دی‌ها و آثار سخیف و مبتذل سینماست؟ بعضی از فیلم‌های سینمای ما هنوز هم که هنوز است، از سینمای قبل از انقلاب به نازل‌ترین شکل ممکن تغذیه می‌کنند. فیلم‌هایی که درون‌مایه آن‌ها به چالش کشیدن و تمسخر حرمت‌هاست یا شوخی‌های زشت و مبتذل را برای خندانند مخاطب به کار می‌برند، تنها باعث آسیب رساندن به فرهنگ سینمایی ما خواهند شد.

تلویزیون در چندسال گذشته اعلام کرده که مخاطبش افزایش پیدا کرده است. اما سوال اینجاست: با چه برنامه‌ای؟ البته در این مورد، مخاطبان سینما و تلویزیون به هیچ وجه مقصر نیستند، بلکه سیاست‌گذارانی که تلاش می‌کنند مخاطب را به هر قیمتی پای تلویزیون یا به سالن سینما بکشانند، مقصران اصلی این اتفاق‌اند. متأسفانه سیاست غلطی در سینما و تلویزیون ما به وجود آمده که آن، توجه به تقاضا و درخواست مخاطب برای عرضه محتوای نه نیاز او! این کار بزرگ‌ترین خیانت به این مخاطب مظلوم است.

ما باید در سینما و تلویزیون‌مان دنبال استانداردسازی باشیم تا بتوانیم با ارائه محتوای درست خدمتی به مخاطبان انجام دهیم. اگر در آنالیزها و ارائه آمارها به این برسیم که فیلم‌های استاندارد و با مفاهیم درست مورد اقبال مردم قرار گرفته‌اند، آنگاه می‌توانیم امیدوار باشیم و این آمارها را -نه شایسته تقدیر- که قابل قبول بدانیم. در غیر این صورت ارائه این آمارها با ندادن آن تفاوتی ندارد!

از اول انقلاب، حداکثر ۱۰۰۰ ناشر فعال داشته‌ایم!

سعید مکرمی (مدیر نشر اسم): دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همانند هر سال، سالنامه آماری مشتمل بر آمارهای حوزه فرهنگ و هنر در سال ۱۳۹۷ را در نیمه دوم سال گذشته، در حجمی بالغ بر ۲۰۰ صفحه و ۱۹ فصل منتشر کرده است. در این سالنامه، معاونت‌های گوناگون نظیر امور فرهنگی، امور مطبوعاتی، امور هنری، قرآن و عترت، توسعه مدیریت و منابع، معاونت حقوقی، امور مجلس و استان‌ها و... گزارش‌های آماری خود را از میزان فعالیت، چالش‌ها و ظرفیت‌ها عرضه کرده‌اند.

با نگاهی به بخش معاونت امور فرهنگی در این سالنامه و بررسی وضعیت آماری ناشران در یک بازه زمانی پنج‌ساله می‌توان دید این آمار از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۳۹۷ به میزان قابل‌توجهی رشد داشته است. اما با بررسی دقیق‌تر در آمار مربوطه می‌توان دید، تعداد ناشران فعال در این بازه زمانی تغییر چندانی نکرده است (کمتر از صد ناشر اضافه شده است). اما طبق آمارها، تعداد ناشران فعال در سال ۱۳۹۳ حدود ۸۰۰۰ عنوان بوده در حالی که این رقم در سال ۱۳۹۷ به عددی بالغ بر ۱۵ هزار ناشر رسیده است!

این مطلب گرچه نویدبخش این خبر است که میزان صدور مجوز برای ناشران جدید افزایش یافته، اما میزان ناشر غیرفعال در بازه پنج سال مورد بررسی به عددی نگران‌کننده برای حوزه نشر تبدیل شده است.

ابتدا باید انگیزه افراد از دریافت مجوز نشر را بررسی و تحلیل کرد. یکی از انگیزه‌ها می‌تواند پیدا کردن تشخص و شأن و جایگاه اجتماعی برای یک ناشر باشد. انگیزه دیگر، استفاده از فرصت‌های قانونی ذیل عنوان ناشر است. مجوز نشر این ویژگی را دارد که می‌توان به وسیله آن، توجیهی برای دستگاه‌های نظارتی دست و پا کرد.

صنعت نشر در کشور ما یک بیزینس فرهنگی نیست و عده زیادی از این نکته غافل‌اند که نشر به مقدماتی، چون ایده و توان مالی احتیاج دارد. امتیاز نشر به عنوان یک امتیاز «به دردبخور» همواره در دست عده‌ای است و این مسئله تعداد ناشران غیرفعال را زیاد می‌کند.

آمارهای منتشرشده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درست و البته قابل تامل است. از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون نهایتاً هزار ناشر فعال مشغول چاپ کتاب بوده‌اند و الباقی آن‌ها صرفاً کسانی هستند که یک روز مثلاً در شورای عالی انقلاب فرهنگی سمتی داشته‌اند و روز دیگر و بعد از بازنشستگی، برای خالی نبودن عریضه امتیاز نشر گرفته‌اند! آنچه مسلم است این که باید سازوکار غلط احراز صلاحیت، کنترل و نظارت در صدور مجوز نشر جداً مورد بازبینی قرار گیرد و فرآیند تجدیدنظر در خصوص ناشران غیرفعال اعمال شود.

کل اقتصاد تجسمی اندازه خرید یک آپارتمان نیست!

مجید ملانوروزی (مدیرکل اسبق مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد): هنرهای تجسمی هیچ کمکی از دولت دریافت نمی‌کند. نه مانند موسیقی سالن می‌گیرد و نه مانند سینما بودجه‌ای برای ساخت فیلم. کتاب‌ها نیاز به بررسی و ممیزی دارند و خلاصه هر هنری نوعی از وابستگی را به دولت دارد، در عرصه هنرهای تجسمی بحث متفاوت است. گالری‌ها فعالیتشان خصوصی است، هنرمندان هم همین‌طور. پس طبیعی است که آمار دقیقی هم ارائه نکنند و مشغول کار خودشان باشند. حالا گذشته از این‌ها نگاهی بیندازیم به گردش مالی یک‌سال هنرهای تجسمی. اگر تمام فروش‌ها و سودهای یک‌سال هنرمندان و گالری‌داران را جمع کنیم نهایتش می‌شود ۴۰ میلیارد تومان، در حالی که یک آپارتمان متوسط در برخی نقاط تهران ۶۰ تا ۸۰ میلیون تومان قیمت دارد.

این همه در حالی است که دولت و وزارت ارشاد هم حمایتی از هنرهای تجسمی ندارند، نه حراج خاصی برگزار می‌کنند، نه برگزاری بی‌ینال و اکسپو چندان برایشان مهم است. هنرمندان تجسمی برای خودشان بی‌سروصدا کار و زندگی می‌کنند و گالری‌دارها هم همین‌طور. ضمن این‌که گالری‌دارها هم اغلب مجموعه‌دار هستند و علاقه‌مند به آثار هنری تجسمی؛ وگرنه می‌دانند سرمایه‌ای که برای کارشان گذاشته‌اند، بازگشت چندانی ندارد. هرچند در این میان حرف و حدیث و رقم‌های نجومی درباره آثار تجسمی مطرح می‌شود، اما این ارقام و رویدادهای مربوط به

حراج هم بیشتر برای تثبیت قیمت یک هنرمند و مسائلی از این دست برگزار می‌شوند و حباب هستند. گاهی فلان کار سهراب سپهری که قیمتش در حراج بالا می‌رود را خود صاحب اثر می‌خرد و اتفاقاتی از این دست بسیار است.

خلاصه کل ماجرا این است؛ ما بیش از ۱۰۰ گالری فعال داریم که هر دو هفته یک بار تقریباً نمایشگاه دارند، گاهی فروش خوبی دارند و گاهی هم نه. گاهی هنرمند قیمت کارش را بیست میلیون تومان اعلام می‌کند، اما به طور پنهانی با تخفیف همان را ده میلیون تومان می‌فروشد و همه این موارد یعنی نمی‌توان اقتصاد تجسمی را با فرمول اقتصاد دیگر هنرها بررسی کرد و دنبال گرفتن آمار دقیق از گالری‌داران و هنرمندانی بود که حمایت دولتی هم ندارند!

خصوصی‌سازی یا رهاسازی، مسئله این است

امیرحسین شفیعی (کارگردان تئاتر و مدیر تماشخانه سرو): تئاتر کشورمان از مشکلات متعددی رنج می‌برد که به مرور زمان از این مشکلات کاسته نشده هیچ، به آن‌ها اضافه هم شده است.

اول: ظرفیت صندلی‌های تئاتر بیشتر از مخاطبان تئاتر است. تماشخانه‌ها اضافه شده‌اند، اما مخاطب برای دیدن تئاترهایمان تربیت نکرده‌ایم. از طرفی این را هم بپذیریم که خروجی رشته‌های تئاتر از دانشگاه‌های زیاد است و نیز تعداد هنرمندانی که شرایط کار کردن برایشان مهیا نیست. دوم: شرایط اقتصادی خانواده‌های ایرانی اجازه دیدن نمایش را نمی‌دهد. من به عنوان یک فعال تئاتر به جرات می‌گویم تئاتر در ایران به نسبت کشورهای توسعه‌یافته یا حتی در مقایسه با تفریحات دیگری که در کشور خودمان وجود دارد، ارزان است، اما با همین قیمت‌ها یک سرپرست خانوار، به دلیل درآمد محدود، نمی‌تواند از رسانه‌ای مانند تئاتر بهره بگیرد. سوم: کیفیت آثار جای بررسی دارد؛ وقتی مجموعه‌های فرهنگی ایجاد می‌شوند، تولیدات فرهنگی در دسترس قرار می‌گیرند، ولی با چه کیفیتی؟ آیا آثاری که در تماشخانه‌های شهر عرضه می‌شوند، کیفیت لازم را برای جذب مخاطب دارند یا اسباب دزدگی را فراهم می‌کنند و قهر با تئاتر را؟

چهارم: خصوصی‌سازی بهانه‌ای شده که دولت مدیریت تئاتر را رها کند و صرفاً به نظارت بپردازد. در تمام کشورهای صاحب تئاتر، دولت به تولید و رشد تئاتر کمک می‌کند؛ اما دولت ما به بهانه خصوصی‌سازی مدیریت را در حد نظارت تنزل داده و کمک‌های دولتی به گروه‌ها یا به موقع پرداخت نمی‌شود یا اصلاً پرداخت نمی‌شود. در چنین شرایطی به‌طور طبیعی تئاتری‌ها مجبور می‌شوند به سمت تئاتر تجاری، تئاتر گیشه و تئاتر کم‌محتوا بروند که حاصلش توقف تولید اندیشه در تئاتر، ریزش مخاطب و پایین آمدن سلیقه تماشاگران است. پنجم: تعداد سالن‌ها و تماشخانه‌های شهر تهران کم نیست، اما گستردگی ندارد. در جنوب تهران یا غرب یا شرق تهران تئاتر نداریم و نیز کمتر شاهد تنوع گونه‌های مختلف نمایشی هستیم.

همه‌گیرشدن کنسرت‌های موسیقی در جهان

پیروز ارجمند (آهنگساز و منتقد موسیقی): استقبال و اقبال عمومی نسبت به کنسرت‌های موسیقی در چارت جهانی هم رشد بسیاری داشته و به نظر می‌رسد هر چه زندگی مدرن‌تر می‌شود مردم گرایش بیشتری به تفریحات دنیای مدرن پیدا می‌کنند. هر قدر فروش آلبوم‌های فیزیکی کمتر شده در عوض فروش آنلاین موسیقی و همچنین حضور در کنسرت‌ها رشد چشمگیری داشته است.

روزی روزگاری در تالار وحدت تهران در سال تنها ۱۰ کنسرت موسیقی برگزار می‌شده است، اگر اشتباه نکنم سال ۶۶ با چنین آماری مواجه بودیم و حالا با گذر سه دهه با آمار بسیار قابل توجهی روبه‌رویم که نشان می‌دهد موسیقی

ما می‌تواند امروز به عنوان یک هنر-صنعت روی پای خودش بایستد و دیگر نیاز به صدقه دولت نداشته باشد. اما این که چرا در ایران تعداد اجراهای صحنه طی چند سال رشد تصاعدی و چند برابری را تجربه کرده، موضوعی است که باید برای پرداختن به آن رفت سراغ زیرساخت‌های اجرایی موسیقی. زمانی روند برگزاری کنسرت در استان‌ها بسیار دشوار بود و تنها در برخی مراکز استانی شاهد اجرای زنده موسیقی بودیم. برنامه‌ریزی‌ها رفت به این سمت که در هر استانی چند شهر بتوانند میزبان برگزاری کنسرت باشند و به نظرم همین اقدامات برای اصلاح ساختارها توانست به موسیقی کمک کند تا روی پای خودش بایستد و برای فعالیت مستقل از دولت تلاش کند. رشد مالی‌ای هم که موسیقی طی این سال‌ها تجربه کرده جالب است، در سال اول اصلاح ساختارها حدود ۱۰ برابر رشد اقتصادی موسیقی را شاهد بودیم و حالا هم رشدی حدود ۱۵ تا ۲۰ برابر که می‌تواند هم اهالی موسیقی را منتفع کرده و هم گردش مالی این هنر را بالا ببرد.

نکته مهم دیگر این که تا آن دوره موسیقی‌هایی که اجرای صحنه‌ای داشتند در سبک‌های پاپ، کلاسیک و سنتی بودند. حالا، اما بیش از ۱۵ سبک مختلف موسیقی در حال فعالیت هستند و همین هم مخاطب موسیقی را بیشتر می‌کند و هم چرخه مالی‌اش را.

منبع: روزنامه جام‌جم، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، صفحات ۱۰ و ۱۱